

شأنیت اخلاقی رویان

نویسندگان:

محمدحسین مدبر*^۱، وحیده مدبر^۲، نوید کلانی^۱

۱- مرکز تحقیقات اخلاق پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی جهرم، جهرم، ایران

۲- دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران

Journal of Education and Ethics in Nursing, Vol.7, No.1&2, Spring & Summer 2018

چکیده:

مقدمه: در روند I.V.F و روش‌های مشابه آن، تخمک‌های بارور شده فراوانی به شیوه‌های مختلف نابود می‌شوند درحالی‌که امکان زنده ماندن و تبدیل آن‌ها به انسان‌هایی چون ما، وجود دارد. سؤال اساسی این است که این عمل از نگاه «اخلاق زیست پزشکی» که یکی از زیرشاخه‌های اخلاق کاربردی است، قابل توجیه است یا خیر؟

روش کار: مطالعه حاضر با بهره‌گیری از مطالعات کتابخانه‌ای و مقالات علمی در این زمینه گردآوری شده است.

نتیجه‌گیری: در پاسخ این سؤال دو دیدگاه وجود دارد: یکی آن که رویان را در این مرحله دارای شأنیت اخلاقی می‌شمرد؛ بنابراین از بین بردن رویان‌های اضافی را در شرایط عادی خلاف اصول مسلم و پذیرفته شده اخلاقی می‌داند و دیگری دیدگاهی که نقطه مقابل آن است. نگارندگان به دیدگاه اول معتقدند است و دلایل متعددی برای اثبات مدعایش بیان نموده و دلایل دیدگاه مخالف را ارزیابی و نقد کرده است. لکن جهت برون‌رفت از چالش شأنیت اخلاقی رویان، پیشنهادهایی نیز ارائه نموده است تا این بحث مانعی بر سر راه تحقیقات و شیوه‌های نوین درمان ناباروری تلقی نگردد.

واژگان کلیدی: شأنیت اخلاقی، رویان، شأنیت انسانی

J Educ Ethics Nurs 2018; 7(1&2):1-6

مقدمه:

حیوانات، پیوند اعضا، شبیه‌سازی و ... مطرح می‌شود. در فرآیند I.V.F لزوماً رویان‌های زیادی از بین می‌روند. برای I.V.F باید تخمک‌های بسیاری را بارور ساخت و سرانجام یکی را انتخاب کرد. این کار قطعاً از بین رفتن سایر تخمک‌ها را در پی خواهد داشت. سؤال اساسی این است که آیا اخلاقاً مجاز به این کار هستیم؟ برخی از صاحب‌نظران و به‌طور مشخص، کلیسای کاتولیک به این سؤال، جواب منفی داده و این عمل را غیراخلاقی دانسته و حتی آن را «قتل نفس» دانسته‌اند؛ اما برخی دیگر با این ادعا که تخمک‌های بارور شده فاقد حدنصاب شخصیت انسانی‌اند و در نتیجه از شأنیت اخلاقی برخوردار نیستند، خاتمه دادن به حیات نباتی این تخمک‌های بارور شده را غیراخلاقی ندانسته و

شیوه‌های نوین درمان ناباروری نظیر لقاح در خارج از بدن یا آی‌وی‌اف (I.V.F (In Vitro Fertilization و روش‌های مشابه آن، یکی از موضوعات اخلاق زیست پزشکی است. اخلاق زیست پزشکی یعنی اخلاق موضوعاتی که بر اثر پیشرفت زیست‌شناسی به وجود آمده و با بهداشت، سلامت و درمان مرتبط می‌باشد. اشکال مهم به I.V.F و روش‌های مشابه، این است که به‌طور مستمر جنین‌هایی را تولید و متعاقباً نابود می‌سازد. از آنجاکه این کار با شئون اخلاقی جنین، ارتباط دارد، به لحاظ اخلاقی مورد اشکال قرار گرفته است. به‌راستی آیا رویان انسانی واجد چنین شئونی هست یا خیر؟ مسئله شئون اخلاقی در بسیاری از موضوعات دیگر زیست پزشکی، نظیر سقط‌جنین، آزمایش

*نویسنده مسئول، نشانی: مرکز تحقیقات اخلاق پزشکی، دانشیار و عضو هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی جهرم، جهرم، ایران.

پست الکترونیک: Mhm3733@yahoo.com

تلفن تماس: ۰۹۱۷۷۹۲۳۳۳۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۷/۷

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۶/۶

تمام‌عیار گردد. محروم کردن این موجود از حق حیات و بهره‌مندی از مواهب آن، اخلاقاً امری نکوهیده است.

۳- رویان در این مرحله، هویت خویش را آغاز کرده و حتی جنسیتش مشخص است؛ بنابراین شأنیت اخلاقی او نیز آغاز شده است. دور ریختن آن، اگر عنوان قتل نفس نداشته باشد، توهین به شأن و کرامت انسانی است.

۴- برای این‌که باروری صورت گیرد، طبیعت و انسان سرمایه‌گذاری کرده‌اند؛ نابود ساختن رویان‌ها در این مرحله، تزییع سرمایه‌های انسانی نیز هست که اخلاقاً قابل توجیه نمی‌باشد.

۵- اگر برای شخصیت انسانی، ماهیتی تدریجی قائل باشیم و آن را یک‌روند و جریان بدانیم، آغاز آن، لقاح است. بنابراین رویان در این مرحله، شخص است نه شیء، شخص است نه مال و مملوک که دیگران حق داشته باشند هرگونه بخواهند با وی رفتار کنند.

۶- آدمی موجودی مختار اما مسئول است؛ مجبور نیست کاری را انجام دهد اما اگر انجام داد، مسئول تبعات و عواقب آن کار نیز هست. با بارور کردن تخمک، موجودی پای به عرصه وجود می‌نهد که می‌تواند یکی از شخصیت‌های ممتاز دنیای ما انسان‌ها گردد. آیا می‌توان گفت: متخصص مربوطه بدون هیچ ملاحظه‌ای می‌تواند در یک‌لحظه تعداد زیادی از این موجودات را راهی سطل زباله نماید؟

۷- نظریه پذیرفته‌شده و پیشرفته «حرکت جوهری» صدرالم‌تألهین یعنی «جسمانیه الحدوث و روحانیه البقاء» بودن آدمی، گویای این است که انسانیت انسان و شأن انسانی او از دامان همین جسم هویدا می‌شود بنابراین به نحوی، از آغاز تکوین همراه با جسم انسان است.

۸- رویان در این مرحله، جسمی بی‌جان نیست؛ جاندار است. قابل‌مقایسه با جنین سایر جانداران نیز نیست. این‌گونه هم نیست که فقط دارای حیات نباتی باشد بلکه موجودی است که در درون خود گوهری به نام انسانیت دارد. استعدادی که در هیچ موجود یا جنین دیگری نیست. آیا می‌توان گفت ما در قبال چنین موجودی هیچ مسئولیت اخلاقی نداریم؟

۹- رویان در این مرحله با زبان حال، وابستگی و استمداد خود را اعلام می‌دارد؛ او نیازمند مساعدت و پرورش است. نابودی چنین موجودی، قابل‌مقایسه با کشتن انسان مظلوم و نیازمند است؛ بنابراین اخلاقاً امری ناپسند می‌نماید.

۱۰- شأن انسانی انسان، ربطی به میزان تکامل و بلوغ جسمی یا عقلی او ندارد. انسان، انسان است حتی اگر از تمامی حواس محروم باشد. آنچه مهم است این است که رویان، این روند را آغاز کرده و توان به پایان رسانیدن آن را دارد؛ پس حق دارد زنده بماند و کسی مجاز نیست این طبیعی‌ترین حق را از او دریغ دارد.

مجاز می‌شمارند. به همین خاطر برای حصول اطمینان بیشتر گاهی ده‌ها تخمک را بارور کرده و درنهایت یکی را حفظ و مابقی را نابود می‌سازند.

بحث:

شأنیت اخلاقی:

به نظر می‌رسد بسیاری از نظریه‌پردازان در اینجا میان «شأنیت اخلاقی» و «شأنیت انسانی» خلط کرده‌اند و این دو را یکسان انگاشته‌اند. اینان سعی کرده‌اند با این ادعا که رویان در این مرحله، انسان نیست، آن را فاقد شأنیت اخلاقی معرفی نمایند، درحالی‌که ملازمه‌ای بین این دو نیست. آیا ما فقط در برابر انسان‌ها مسئولیت اخلاقی داریم؟ چه کسی می‌پذیرد که گفته شود ما در برابر همه موجودات زنده و مظاهر محیط‌زیست مسئولیم اما در قبال موجود زنده‌ای که به‌واسطه دخالت و اقدام ما، قابلیت آن را دارد که انسانی هم چون ما گردد، هیچ‌گونه مسئولیت اخلاقی نداریم؟ آغاز شأنیت اخلاقی یعنی: زمانی که شرایط و ویژگی‌های یک موجود به‌گونه‌ای باشد که ما در قبال آن، مسئولیت اخلاقی داریم. به‌عبارت‌دیگر رفتار ما با او قابل ارزیابی اخلاقی گردد و به رفتار خوب یا بد، صواب یا خطا متصف گردد.

دیدگاه شأنیت اخلاقی رویان انسانی:

عمده‌ترین نکاتی که در دفاع از این دیدگاه می‌توان بیان نمود به شرح زیر عبارت است از:

۱- از دیدگاه علم پزشکی، به‌ویژه جنین‌شناسی، حیات انسان از لحظه لقاح آغاز می‌شود. بدین ترتیب بارور گشتن یک تخمک انسانی توسط یک اسپرم انسانی که ظرف مدت کوتاهی عضو جدیدی را به اعضای خانواده انسانی می‌افزاید، هم‌زمان با شروع حیات در انسان است. لقاح یعنی به هم پیوستن شمار مشخصی کروموزوم، نیمی از سوی پدر و نیمی از سوی مادر در لحظه‌ای خاص از زمان. هر یک از کروموزوم‌های پدر و مادر به‌محض پیوستن به یکدیگر تشکیل یک زیگوت (zygote) یا سلول تخم را می‌دهند که ماهیتی جدا از دو کروموزوم سازنده آن دارد [۱]. تقریباً تمامی متون راجع به مسائل پزشکی در این‌باره موافق‌اند که «جنین انسان» از نظر ژنتیکی، انسان محسوب می‌شود و یک واحد زنده و مجزا است که از نظر ارگانیک منفرد بوده و دارای توان قائم‌به‌ذات خود برای منظم نمودن مکانیسم رشد، تکثیر سلولی و تمایز از سایر موجودات پیرامونی است و به‌طور طبیعی می‌تواند تبدیل به یک انسان بالغ گردد [۲].

۲- زیگوت موجودی است که دارای ژنوم انسانی بوده و زنده تلقی می‌شود. موجودی که قادر است تبدیل به یک انسان کامل و

وقتی گفته می‌شود: «جنین، انسان است» یعنی این که این جنین به رده بیولوژیکی خاصی تعلق دارد بدین ترتیب این جنین با جنین سایر موجودات متمایز است اما هنگامی که گفته می‌شود: «کشتن انسان اخلاقاً خطاست» مقصود، کشتن عضوی از اعضای جامعه اخلاقی است. خانم وارن معتقد است این موجود برای این که دارای شأنیت اخلاقی گردد بایستی واجد ویژگی‌های زیر باشد:

۱. هوشیاری: قدرت ادراک اشیاء و حوادث درونی و بیرونی و مشخصاً توانایی احساس درد.

۲. استدلال: توانایی توسعه یافته حل مسائل نسبتاً پیچیده.

۳. فعالیت خودانگیخته: فعالیتی که نسبتاً مستقل از موجود دیگری یا عنصری بیرونی است.

۴. قدرت ارتباطی: توانایی ارتباط برقرار ساختن به شکل‌های گوناگون با افراد و اشیای متفاوت.

۵. آگاهی به خود: داشتن تصویری از خود و آگاهی به خویشتن فردی یا نژادی.

وی در ادامه می‌گوید: «بنابراین نه مشابهت جنین به انسان، نه امکان بالقوه انسان شدن آن، به هیچ‌روی بنیادی برای این استدلال که جنین دارای حق مهمی برای زیستن است، فراهم نمی‌آورد [۵].»

۲- برخی دیگر هم چون "سامنر" معتقدند که جنین هنگامی موقعیت اخلاقی یک انسان کامل را پیدا می‌کند که توانایی احساس درد و لذت را کسب کند و این امر در سه‌ماهه دوم بارداری اتفاق می‌افتد. در این دوره است که جنین پای به مرحله کاملاً تازه‌ای می‌گذارد و از مراحل قبلی متمایز می‌گردد از این‌رو قبل از این دوره، سقط جنین مجاز است ولی پس از آن، غیر اخلاقی است [۶].»

۳- برخی از فمینیست‌ها مانند خانم «سوزان شروین» معتقدند که این مادر است که تصمیم می‌گیرد جنین را به دید یک موجود اخلاقی بنگرد و برای آن حق حیات و سایر حقوق در نظر بگیرد یا این که در هر زمان که بخواهد هرچند در ماه‌ها و حتی روزهای آخر حاملگی جنین خود را سقط نماید. بنابراین ایشان نیز برای جنین در هیچ‌کدام از مراحل تکوین، شأنیت مطلق اخلاقی قائل نیستند. زیرا اصل مادر است؛ اوست که رنج‌های حاملگی را تحمل می‌کند و اوست که تعیین می‌کند که جنین دارای شأنیت اخلاقی هست یا خیر.

۴- اگر رویان واجد شأنیت اخلاقی و انسانی بود بایستی از بین بردن آن، یکی از مصادیق قتل انسان باشد و همان مجازات کشتن انسان بالغ و کامل را در پی داشته باشد در حالی که در تمام دنیای کنونی علیرغم همه تفاوت‌ها در فرهنگ و مذهب و عقیده و علیرغم وجود نظام‌ها و سیستم‌های حقوقی گوناگون، در هیچ

۱۱- ادیان که همواره طلایه‌دار اصول و موازین اخلاقی بوده‌اند، برای رویان در این مرحله، احترام قائل هستند. اکثر عالمان دینی و فقیهان در شرایط عادی، سقط جنین را در این مرحله مجاز نمی‌دانند. ظاهراً در میان فقهای شیعه در باب حرمت سقط جنین، اختلاف‌نظری نیست. از نظر آنان رشد جنین دارای یک پیوستار است و نمی‌توان مرحله‌ای را از مرحله دیگر جدا کرد و سقط را تا جایی مجاز و پس از آن حرام دانست. البته همه فقها با توجه به رشد جنین و مرحله‌ای که در آن به سر می‌برد، دیه‌ای متناسب با آن در نظر می‌گیرند و دیه جنین پنج‌ماهه را با جنین یک‌ماهه برابر نمی‌دانند. این از جنبه حقوقی و وضعی سقط جنین است، وگرنه از نظر تکلیفی میان فقها تفاوتی در حرمت سقط جنین در هر مرحله‌ای که باشد، نیست. این حرمت همه مراحل بارداری را فرامی‌گیرد. استفتای آئی از فقهای شیعه و پاسخ آنان، گویای این وحدت نظر است.

امام خمینی (ره) در برابر استفتایی به این شرح که «آیا بعد از انعقاد نطفه از بین بردن آن، جایز است یا نه؟» پاسخ می‌دهند «بعد از انعقاد نطفه جایز نیست»

آیت‌الله تبریزی نیز در پاسخ به استفتایی با همین مضمون فتوا می‌دهد که «اسقاط جنین جایز نیست» و آیت‌الله خوبی به صراحت، سقط جنین را در هر مرحله‌ای حرام دانسته و می‌گوید: «سقط جنین جایز نیست، اگرچه نطفه باشد» [۳].»

یکی از پژوهشگران پس از بررسی دیدگاه فقه شیعه در این مورد می‌نویسد: «در حرمت سقط جنین، تردید وجود ندارد حتی در هنگامی که نطفه باشد بلکه اگر زن احتمال بارداری در خود بدهد، نمی‌تواند دارویی بخورد که موجب سقط جنین شود» [۴].»

دیدگاه عدم شأنیت اخلاقی رویان انسانی:

مهم‌ترین دلایل صاحب‌نظرانی که رویان را در مرحله مورد نظر ما، فاقد شأنیت اخلاقی می‌دانند به شرح زیر عبارت‌اند از:

۱- برخی هم چون "ماری آن وارن" معتقدند که جنین انسانی در هیچ‌کدام از مراحل حیات و تکامل، واجد حدنصاب شخصیت انسانی و اخلاقی نیست. بنابراین هیچ‌کس در قبال آن مسئولیت اخلاقی ندارد و آن نیز دارای هیچ حقی از جمله حق حیات و زنده ماندن نیست. وی معتقد است که «انسان» دو معنا دارد که بایستی از یکدیگر متمایز شود؛ گاه معنای «انسان» یعنی: موجودی که دارای ویژگی‌هایی است که او را از سایر جانداران متمایز می‌سازد و این معنای بیولوژیک انسان است.

معنای دوم انسان یعنی: موجودی که متعلق به جامعه اخلاقی است و دارای شخصیت و شأنیت اخلاقی است. وی معتقد است کسانی که برای جنین، شأنیت اخلاقی و انسانی قائل هستند، میان این دو معنا از انسان، خلط کرده‌اند. واقعیت این است که

نونان" در مقاله‌ای که با عنوان «ارزشی تقریباً مطلق در تاریخ» منتشر ساخته است، هیچ‌کدام از این پارامترها قطعی نیستند. وی سرانجام این نظر پیش می‌کشد که تنها معیار انسان بودن موجودی، داشتن کدهای ژنتیکی انسانی است که رویان از آغاز لقاح واجد آن است» [۱۰].

نتیجه‌گیری:

پس از ملاحظه و تأمل در دلایل پیش‌گفته آنچه می‌توان بیان نمود، این است که: فرضاً رویان در این مرحله واجد حدنصاب شخصیت انسانی و شأنیت اخلاقی نباشد، نمی‌توان انکار نمود که بستر و زمینه و ماده اولیه موجودی است بس ارزشمند به نام انسان. در میان خردمندان عالم گاهی تقدس و تعالی یک موجود به قدری زیاد است که قسمتی از آن تقدس به پیرامون آن نیز سرایت می‌کند و آن‌ها را نیز ارزشمند و دارای قداست می‌سازد. البته همان‌گونه که در مقدمه بیان شد نگارنده معتقد است مسئولیت اخلاقی در موضوع موردبحث، وجود دارد هرچند وجود شأنیت انسانی رویان اثبات نگردد. از این گذشته با نگاهی منصفانه به دلایل طرفین برای هر صاحب‌خردی در مورد این که رویان دارای شأنیت اخلاقی هست یا خیر، دچار شک و تردید می‌شود که در این صورت، اهمیت حرمت «دما و نفوس» آدمیان و به‌حکم اصول و قواعد اخلاقی هم چون «آنچه برای خود می‌پسندی برای دیگران نیز پسند» و لزوم مراعات انصاف، حمایت نیازمند و درمانده و زشتی اسراف و تبذیر و امثال این‌ها، ما را ملزم می‌سازد که در اینجا جانب احتیاط را مراعات نماییم. (احتیاط عقلی).

علی‌هذا اگر ضرورت‌ها از بین بردن چنین موجوداتی را اجتناب‌ناپذیر نموده است، به‌حکم قاعده «المیسور» و «مالا یدرک کله لایترک کله» که قواعدی عقلی و هم‌چنین اخلاقی می‌باشند، پیشنهاد می‌گردد:

- ۱- در باروری تخمک‌ها، به حداقل لازم و ضروری اکتفا شود.
- ۲- رویان‌های سالم حتی‌المقدور فریز شوند.
- ۳- به‌جای از بین بردن به شیوه "فعال (Active)" از روش "غیرفعال (Passive)" استفاده شود.
- ۴- محقق و متخصص مربوطه این عمل را رفتاری غیراخلاقی اما غیرقابل اجتناب بداند و برای جلوگیری از این رفتار یا کم کردن دامنه آن تلاش کند.
- ۵- قبل از نابود ساختن تخمک‌های بارور شده اضافی رضایت صاحبان اسپرم و تخمک را جلب نماید تا احیاناً مسئول پرداخت دیه نگردد.

کجا برای از بین برنده رویان در مرحله موردبحث، مجازات جرم قتل در نظر گرفته نمی‌شود.

شمار دیگری از صاحب‌نظران، نقطه آغاز شخصیت اخلاقی را به شرح زیر چنین می‌دانند:

زمانی که جنین قابلیت زیست مستقل از مادر پیدا می‌کند. پایان دوره رشد جنینی یعنی زمانی که تمامی ارگان‌های بدنی ظاهر می‌گردد.

باروخ برودی یکی از جنین‌شناسان مشهور معتقد است که قابلیت ادراک و حس یعنی زمانی که مغز جنین شروع به فعالیت می‌کند، نقطه شروع شخص بودن است وی معتقد است که جنین در سه‌ماهه دوم حیات خود به این قابلیت دست می‌یابد [۷]. زمانی که قلب جنین شروع به تپش می‌کند [۸].

ارزیابی دلایل:

برخی از ویژگی‌هایی که خانم وارن برای واجد شدن شأنیت اخلاقی برشمرد تا پایان تکوین مراحل جنینی و حتی ماه‌ها بعد از تولد برای کودک حاصل نمی‌شود. بنابراین جنین و حتی کودک چندماهه دارای شأنیت اخلاقی نیست. پس می‌توان آن را کشت و اخلاقاً هم مسئول نبود. سخنی که هیچ صاحب‌خردی آن را نمی‌پذیرد.

معیاری که آقای «سامنر» بیان کرد یعنی احساس درد و لذت اولاً در میان احساس‌های جنین چرا این دو احساس، گزینش شده‌اند؟ ثانیاً چگونه می‌توان دقیقاً معلوم کرد که در چه زمانی این احساس در جنین پیدا می‌شود؟ این سؤالی است که تاکنون بی‌جواب مانده است.

اما آنچه فمینیست‌ها می‌گویند در واقع مستلزم انکار اصول و قواعد عام و مطلق اخلاقی است. اخلاق، زمانی معنی و مفهوم پیدا می‌کند که بتوان از اصول و قواعد کلی و عام سخن گفت نه آن را در حد ذوق و سلیقه افراد فرو کاهید و آن را به ورطه نسبیّت کشانید؛ و اما آنچه در مورد مجازات قتل گفته شد، اولاً بحث ما اخلاقی است نه فقهی و حقوقی ثانیاً آنان که مجازات کشتن جنین حتی پس از دمیده شدن روح، قصاص نمی‌دانند، منکر انسان بودن و شأنیت اخلاقی و انسانی جنین نیستند بلکه معتقدند برای اجرای قصاص، بایستی ویژگی‌های قاتل و مقتول یکسان باشد. جالب این است که برخی از فقهای معاصر [۹] معتقدند که قاتل کودک نابالغ را نمی‌توان قصاص نمود چراکه یکسان بودن قاتل و مقتول از نظر بلوغ، شرط اجرای قصاص است. بالاخره آنچه به‌عنوان ملاک و معیار برای نقطه آغاز شخصیت انسانی از طرف صاحب‌نظران متعدد بیان شد، واقعیت این است که به گفته "جان

References:

1. Mehregan AH. Abortion and human rights in the outlook of international laws. *J Reprod Infertility* 2005; 6(4):410-440.
2. Fisher A. *IVF the critical Issues*. Melbourne: Collins Dove; 1989: 133.
3. Eslami S H. Ethical approaches to abortion; a case study. *J Reprod Infertility* 2005; 6(4):321-342.
4. Gheblei KH. Legal and legal study of abortion laws. *Legal Perspect Q* 1998: 3(9); 45.
5. *Contemporary moral problems*, James white. New York: West Publishing Company; 1997: 141.
6. Driver J. Pleasure as the standard of virtue in humans' moral philosophy. *Pacific Philos Q* 2004; 85: 173-194
7. Mohagheghe Damad SM. Research on abortion, issues and issues surrounding it. *Cent Study Med Ethics* 1996: 5; 164.
8. Najafi SH. *Medical law*. Tehran, Gang Danesh, 1995: 133.
9. Khoei A. *Mabani Tokamaleh Almenhaj*. 2nd. Najaf Ashraf 2015: 417.
10. Noonan JT. An almost absolute value in history. *Hum Life Rev* 1985 Winter-Spring; 11(1-2):125-78.

Embryo Moral Dignity

Mohammad Hossein Modabber*¹, Vahideh Modabber², Navid Kalani¹

Received: 2018/28/08

Accepted: 2018/29/09

1. Medical Ethic Research Center, Jahrom University of Medical Sciences, Jahrom, Iran
2. Shiraz University of Medical Sciences, Shiraz, Iran

Journal of Education and Ethics in Nursing, Vol.7, No.1&2, Spring & Summer 2018

J Educ Ethics Nurs 2018;7(1&2):1-6

Abstract:

Introduction:

In the process of I.V.F and other similar methods, fertilized eggs are destroyed in various ways, while there is a possibility of their survival and of their transformation into humans such as us. The basic question is that whether this action is justifiable from the point of view of "bio medicine ethics", which is one of the subcategories of applied ethics?

Methods and Materials:

This study has been compiled using library studies and scientific articles in this field.

Conclusion:

There are two perspectives on this question: one that considers the embryo at this stage as having moral validity; therefore, the elimination of additional embryos in normal conditions is contrary to the accepted moral principles, and the other is the point of view opposite to it. The writers believe that the former is right and they have expressed various reasons for proving their claims. Furthermore, they assessed and criticized the reasons for the opposing view. Consequently, in order to get rid of this moral challenge of embryo, a number of suggestions have been proposed to prevent this discussion from being considered an obstacle to research and modern methods of treatment for infertility.

Keywords: Moral Dignity, Embryo, Human Dignity

* Corresponding author Email: Mhm3733@yahoo.com